

*Bi-Quarterly specialized-  
scholarly journal Of Quranic  
Studies Light of Revelation Vol. ۱,  
No. ۲,  
Autumn & Winter ۲۰۱۵  
P ۳۴ - ۶۰*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی  
س ۱ ش ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۴  
صفحات ۳۴ تا ۶۰

## اعتدال و مصادیق آن در قرآن

عبدالحسین شورچه\*

سمیرا حیاتی\*

### چکیده

قرآن کریم به عنوان یک کتاب وحیانی و انسان ساز، روش هایی را برای رسیدن انسان به سعادت ابدی فرا روی او قرار داده است که با بررسی همه جانبه تعالیم وحی و رهنمودهای دینی در شریعت اسلام به خوبی این حقیقت استنباط می شود که انسان را در تمامی ابعاد و عرصه های زندگی، به میانه روی و اعتدال، فراخوانده است. نتایج بررسی ها بیانگر آن است که انسان موظف است که از طبیعت و شریعت معتدل خود درس بیاموزد و اعتدال را در تمام جنبه های زندگی پیاده کند و با طرد موانع درونی (=نفس اماره) و بیرونی (=شیطان) و با توکل به خدا، تمسک به ائمه اطهار (ع)، تقویت ایمان، شکر گذاری و... اعتدال را رعایت نماید تا به بالاترین مقامات دنیوی و اخروی دست یابد.

روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده، روش تحلیلی- توصیفی است.

**کلید واژگان:** اعتدال، تربیت دینی، حد وسط، میانه روی، قسط.

---

\*. دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف اسلامی قم.

[hosain\\_shorche@yahoo.com](mailto:hosain_shorche@yahoo.com)

\*. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، الهیات گرایش علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه رازی کرمانشاه.

[hayati.sss.95@gmail.com](mailto:hayati.sss.95@gmail.com)

## مقدمه

هر انسانی عدل را دوست دارد و از ظلم متنفر است. اما تشخیص و عمل به اعتدال بسیار مشکل است. اساس عدل خداوندی زیربنای خلقت انسان، آسمان‌ها و زمین است. واژه شناسان و مفسران در معنای لغوی عدل - که البته با واژه‌هایی از قبیل: استقامت، قصد، وسط، قسط، میزان و غیره پیوند معنایی دارد - (استوا) را رقم زده‌اند. در معنای اصطلاحی، فضیلت (=ارزشی) است که در وسط دو طرف افراط و تفریط که هر دو مذموم می‌باشند، قرار دارد. و گاهی به عنوان چیزی ممدوح در کنار یک طرف مذموم (=جور) مطرح است. عدالت علاوه بر اینکه فضیلت، سرچشمه سایر فضایل و نتیجه آن‌هاست، نسبی یا مقید نیز هست. به این معنا که افراد مختلف به دلیل شرایط متفاوت فردی و اجتماعی خاص خویش، به شیوه‌های گوناگون در طریق اعتدال حرکت می‌کنند. به بیانی دیگر، گاهی اگر برای یک فضیلت در شرایط عادی دو طرف یا یک طرف مذموم (=ردیلت) در نظر گرفته شود، در شرایط غیرعادی و غیر معتدل و در جهت (اعتدال نهایی)، عقل و شرع چنین افراط و تفریطی را عین عدل و حرکتی ممدوح می‌شمارند که در این رابطه به یک آیه و یک روایت به عنوان شاهد مثال اشاره می‌کنیم: «فاستبقوا الخیرات لا سرف فی خیر» مثلاً در صورتی که کار (خیر) یعنی با هدف سود رساندن به دیگران باشد، هر چه افراطی‌تر، مطلوب‌تر است و فساد و خلل به نظام عالم ایجاد نمی‌کند. در قرآن کریم آیات متعددی با این جهت‌گیری تربیتی (توصیه به میانه‌روی) آمده و خداوند مؤمنان را در امور مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی به رعایت اعتدال فراخوانده است. چراکه هدف اسلام معتدل کردن شاکله و شخصیت انسان بوده تا در سایه این شخصیت مطلوب قرآنی، در همه اعمال و رفتار وی اعتدال وجود داشته باشد.

## بیان مسئله

در نظام تربیتی اسلام، توجّه به اصل اعتدال همیشه موردنظر بزرگان دینی قرار داشته، رمز موفقیت پیامبر (ص) در دعوت گسترده مردم، توجّه به این اصل بوده است. اعتدال از موضوعاتی است که در طول تاریخ، نظر اندیشمندان مختلف را به خود جلب کرده است. دین اسلام، در تمامی امور زندگی راه اعتدال و میانه‌روی را پیشنهاد می‌کند و بر آن تأکید دارد اعتدال از اصول مسلم و ارزش‌های مورد تأیید دین اسلام می‌باشد. از این روست که خدای متعال به ایجاد تعادل در جامعه تأکید فرموده و اَمّت اسلام را امت وسط نامیده است. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»<sup>۱</sup>؛ و بدین گونه شمارا امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. «مسئله‌ی اعتدال، از موضوعاتی بوده که در طول تاریخ، نظر اندیشمندان مختلف را به خود جلب کرده است. می‌توان گفت که قریب به اتفاق دانشمندان، اعتدال را امری پسندیده و از امهات اخلاقی می‌دانند. بزرگانی همچون علامه طباطبایی، امام خمینی (ره) و... در کتب خود درباره‌ی این موضوع بحث کرده‌اند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بدآن‌که عدالت عبارت است از، حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضائل اخلاقیه است»<sup>۲</sup>.

راه و رسم اعتدال کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است، راهی که کتاب خدا بر آن بنا شده است. حال این سؤال این پیش می‌آید با توجّه به آموزه‌های دینی چرا شاهد تربیت دینی مناسبی در جامعه نیستیم؟ بازگشت به اسلام راستین، میسر نمی‌شود مگر با رسیدن به اعتدال اسلامی، که این نیاز به بررسی همه‌جانبه با توجّه به نیازهای روز را دارد.

## اهمیت موضوع

اعتدال و میانه‌روی، به همین اندازه که دست یافتن عملی به آن دشوار می‌نماید، اما بحث و گفتگو پیرامون آن ضروری و دلپذیر است. اگر هم نتوان به‌طور کامل این مقوله

۱. بقره/۱۴۳

۲. سید روح الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۴۷.

مهم را در زندگی فردی و جمعی محقق ساخت، اما بازکاوی زوایای آن مسلماً افق دید ما را روشن نموده، مسیر حرکت فرد و جمع ما را مشخص و مرزها را برجسته می‌نماید. گرچه درباره این موضوع افراد، مکاتب و جریان‌های فکری و سیاسی مباحث زیادی انجام داده و آثار فراوانی عرضه نموده‌اند. اما از آنجاکه نه، انسان را به‌درستی شناخته‌اند، و نه نظرات خود را مبتنی بر تعالیم قرآنی نموده‌اند. نواقص جدی و فراوانی در تئوری پردازی‌های آنان مشاهده می‌شود.

مع‌الأسف مسلمانان نیز سراغ تعالیم آسمانی نرفته و بهره لازم را نبرده‌اند. از این جهت پژوهش حاضر از جهاتی حائز اهمیت است:

اولاً: به واژه «عدل» و «اعتدال» بسنده نشده بلکه واژه‌های مترادف و هم‌معنی با آن، مانند: واژه قسط، قصد، مساوات و گاه متضاد مانند: افراط و تفریط نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

ثانیاً: موضوع اعتدال و میانه‌روی از چنان گسترده و سعه‌ای برخوردار است که تمامی رفتار و حرکات فردی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را در برمی‌گیرد. از این رو لازم است به این موضوعی که همه ما همواره با آن سروکار داریم بیشتر آشنا شویم و از مرز تیز و برآن عدالت عبور نکنیم و این مبتنی بر شناخت دقیق‌تر از زوایای این موضوع می‌باشد.

ثالثاً: از آنجاکه اعتدال و میانه‌روی شامل همه‌ی ابعاد روحی و مادی، فردی و اجتماعی، عبادی و اخلاقی و... است. اما از آنجاکه تفصیل همه‌ی موارد از عهده پژوهش حاضر خارج است به برخی از این جنبه‌ها به‌ویژه جنبه‌ی اخلاقی (زندگی اجتماعی و فردی انسان) عنایت ویژه‌ای شده است.

### معنای اعتدال

#### ۴-۱- معنای لغوی عدل و مشتقات آن

واژه اعتدال از ریشه «عدل» گرفته شده است. راغب اصفهانی در تعریف عدل می‌گوید: عدالت و معادله دارای معنای برابری است و به همین خاطر همواره در مقایسه

بین اشیاء کاربرد دارد. عدل همان تقسیم به دو نیم مساوی و هماهنگ است.<sup>۱</sup> ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: عدل، هر آن چیزی است که فطرت انسان حکم به استقامت آن نماید. و نیز می‌گوید: اعتدال به معنای حد وسط در کمیت و یا کیفیت است. مانند اینکه گفته شود: قد آن فرد نه کوتاه است و نه بلند، یا حالتی که در آن دو طرف از لحاظ کمیت و یا کیفیت در سازگاری و تناسب باشد. همچنین این واژه در لسان العرب به معنای استقامت و پایداری نیز آمده.<sup>۲</sup> برخی نیز اعتدال را به معنای حد وسط و میانه معنا کرده‌اند.<sup>۳</sup>

دکتر خلیل جرّ در فرهنگ لاروس در تعریف اعتدال می‌گوید: تعادل، یعنی توازن در مقدار، هم‌وزنی، برابر بودن دلایل، تناسب ادله، برابری و یکسانی در کم و کیف.<sup>۴</sup> و در فرهنگ ابجدی اعتدال به معنی میانه‌روی آمده است.<sup>۵</sup>

در المعجم الوسیط «عدل» این‌گونه تعریف شده است: «عدل به معنای انصاف است و آن دادن چیزی است به فردی مستحق آن و گرفتن چیزی که ردّ آن به عهده‌اش می‌باشد.»<sup>۶</sup>

میانه و وسط که به معنای قرار گرفتن شیء بین دو طرف است که نسبت به اطراف آن، در حد میانه قرار می‌گیرد.<sup>۷</sup> و فاصله وسط شیء نسبت به دو طرف آن مساوی است و بدین سان بدان عدل یا عدل گفته می‌شود.<sup>۸</sup>

۱. اصفهانی راغب، مفردات الفاظ القرآن، ۵۵۱.

۲. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۳-۴۳۰.

۳. احمد بن محمد فیومی، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۵۰.

۴. خلیل جرّ، فرهنگ لاروس، ۱، ۵۹۳.

۵. فؤاد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، ۱، ۹۲.

۶. ابراهیم، مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ۲، ۵۹۴.

۷. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ۷، ۲۷۹.

۸. احمد بن زکریا ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴، ۲۴۶.

با توجه به نظرات مختلفی که از لغت‌شناسان ذکر شد، ماده‌ی «عدل» به معنای میانه‌ی روی و حدّ وسط میان افراط و تفریط و رعایت تناسب و اندازه در همه‌ی امور است و همگی بر این معنا اتفاق دارند. از این رو معنای اصل این ماده همان «رعایت تناسب و اندازه در همه‌ی امور می‌باشد».

#### ۲-۴- اعتدال از نظر اصطلاحي

اعتدال عبارت است از حدّ میان افراط و تفریط در مسیر مستقیم که از بزرگ‌ترین فضائل انسانی به شمار می‌رود و مختص انسان کامل است، همان‌گونه که اراده خداوند سبحان نیز بر صراط مستقیم و حد اعتدال است. چنانچه می‌فرماید: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup> هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد. به‌راستی پروردگار من بر راه راست است.»

#### ۳-۴- عدل در لسان روایات

تعادل در اصطلاح از نظر بعضی روایات به این معناست که از سویی انسان به کارهای خیر اشتغال و اهتمام داشته باشد و از سویی دیگر، از اموری که شر است اجتناب و احتراز نماید و در همین زمینه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ كِتَاباً هَادِياً بَيْنَ فِيهِ الْخَيْرِ وَالْشَّرِّ فَخُذُوا نَهْجَ الْخَيْرِ تَهْتَدُوا وَاصْدَفُوا عَنْ سَمْتِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا»<sup>۲</sup> «به درستی که خداوند کتابی را فرستاد که هدایت‌کننده و راهنماست (برای انسان‌ها) که در آن نیکی و بدی را آشکار کرد. بنابراین، راه خیر را در پیش گیرید که هدایت می‌شوید و از شر و بدی دوری کنید تا این‌که میانه‌رو بوده باشید.»

امام علی (ع) نیز در تعریف عدل می‌فرماید: «عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد، درحالی‌که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی

۱. هود/۵۶

۲. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، ۳۲، ۴۰.

مردم است، درحالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف تر و برتر است».<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) درباره عدالت می فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُذِلَ بَيْنَهُمْ وَ تَنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرَجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهِمَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى»<sup>۲</sup> «اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می شوند و به اذن خدوند متعال، آسمان روزی خود را فرو می فرستد و زمین برکت خویش را فرو می ریزد».

و در روایتی دیگر می فرماید: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهَدِ وَالْبَيْنُ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ»<sup>۳</sup>؛ «عدالت از عسل شیرین تر، از کره نرم تر و از مشک خوشبو تر است».

#### ۴-۴- عدل از دیدگاه عالمان و مفسران

حکیم سبزواری، فیلسوف بزرگ، در تعریف عدل می فرماید: «وَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ وَ اعْطَا كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ»؛ هر چیزی را در جای مناسب خود نهادن و حق هر صاحب حقی را به او اعطا نمودن.<sup>۴</sup>

فیض کاشانی ذیل آیه ی ۷ سوره الرحمن عدل را این گونه معنا می کند: «خداوند عدالت را برقرار نمود به این صورت که بر هر صاحب استعدادی آنچه استحقاق داشت عنایت کرد و حق هر صاحب حقی را ادا نمود تا کار عالم به سامان شد و راست آمد».<sup>۵</sup>

۱. ابوالحسن محمد بن حسین موسوی سید الرضی، نهج البلاغه، ح ۴۳۷، ص ۵۲۶.

۲. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۳، ص ۵۶۸.

۳. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴. محمد بن حبیب الله سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ص ۱۷۲.

۵. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصّافی، ج ۵، ۱۰۷.

و یا گفته شده: «شأن اعتدال الفت میان امور متباینه و تسویه فی مابین اشیاء متخالفه است و برمی گرداند همه چیز را از طرف افراط و تفریط به حد وسط که امری است واحد و در آن تعدی نیست و خلاف اطراف که امور متخالفه‌ی متکثره هستند»<sup>۱</sup>.

امام خمینی (ره) نیز نظر خود را این گونه بیان می دارد: «بدآن که عدالت حد وسط بین افراط و تفریط و از امهات فضایل اخلاقیه است. خط مستقیم و اصل بین دو نقطه بیش از یکی نیست؛ پس تعریف سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است؛ چنان چه صراط مستقیم که انسان در نماز طالب آن است همان سیر اعتدالی است»<sup>۲</sup>.

«اعتدال سایه وحدت است که وصف قلّت و کثرت و نقصان و زیادی را از صف‌های گوناگون موجودات متباین گرفته و به زیور وحدت می آراید و از حفیض نقص به اوج کمال می رساند. اگر اعتدال نبود، دایره‌ی وجود به هم نمی رسید چراکه میلاد موالید سه گانه از عناصر چهارگانه (منظور از موالید سه گانه، جماد، نبات، حیوان و منظور از عناصر چهارگانه، آب، باد، خاک و آتش است که در طبیعیات قدیم مطرح بوده و اکنون متحول شده) مشروط به اعتدال مزاج‌ها است»<sup>۳</sup>.

شناخت کامل عدل و ظلم با همه مصادیق آن‌ها آنگاه امکان پذیر است که از همه روابط و حدود و حقوق و جایگاه شایسته هر چیزی آگاهی داشته باشیم و بدیهی است که دست یافتن به چنین آگاهی از توان آدمی خارج است.

۱. احمد نراقی، معراج السعاده، ۴۸.

۲. سید روح الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۴۷.

۳. سید نعمت الله کهلانی، العدل و الاعتدال پرهیز از اسراف در اعمال، ۱۸۸-۱۸۷.

#### ۴- ۵- لغات مرتبط با عدل

##### ۴- ۵- ۱- قسط

«قسط» در فرهنگ‌های عربی به معانی متعددی چون عدل، داد، دادگری، عدالت و انصاف، داور، عادل، باانصاف، مقدار، اندازه، عدالت‌خواه، میزان، ترازو، بخش، نصیب، بهره و سهم آمده است.<sup>۱</sup>

«قسط» به کسر قاف معنای عدل<sup>۲</sup> و عدالت می‌دهد.<sup>۳</sup>

در کل «قسط» بر دو وجه آمده است:

۱- عدا و داد. ۲- ستم کردن و انحراف از حق.

وجه اول: قسط به معنی عدل و داد است چنانچه خداوند متعال در سوره حجرات می‌فرماید: «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»<sup>۴</sup> «و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.»

وجه دوم: «قسط» به معنی ستم کردن و انحراف از حق است، خداوند در سوره جن می‌فرماید: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»<sup>۵</sup> «ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود.»

علامه طباطبایی نیز در این مورد می‌نویسد: ««قسط» یعنی «عدل»، قیام به قسط یعنی به عدالت عمل کردن و عدالت را حفظ کردن، پس مراد از «قوامین بالقسط» کسانی هستند که به طور اتم و اکمل قیام به عدل می‌کنند بدون آنکه تحت تأثیر عواملی از قبیل هوی و عاطفه یا ترس و طمع و غیره قرار بگیرند.»<sup>۶</sup>

۱. انطون الیاس، فرهنگ نوین (عربی- فارسی)، ۴۲۸.

۲. سید روح الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ۵۵۷.

۳. علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۵.

۴. حجرات/ ۹.

۵. جن/ ۱۵.

۶. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۷۲.

در تفسیر درالمنثور نیز آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»<sup>۱</sup> «المعدلین فی القول و الفعل» هستند یعنی مقسطین همان عادلینند.

۴- ۵- ۲- قصد

یکی از کلماتی که در قرآن به کار رفته و علماء و مفسران آن را مترادف اعتدال دانسته‌اند، قصد است. در کتب لغت، قصد را به معنای متوسط، معتدل<sup>۳</sup> و استقامت و راه راست دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

در آیات قرآن آمده است: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۵</sup> و نمودن راه راست بر عهده خداست و برخی از آن راهها کژ است و اگر خدا می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد.»

منظور از کلمه‌ی «قصد السبیل» در آیه «راه مستقیم و بدون کجی و اعوجاج که باعث هدایت سالکین خود خواهد بود»<sup>۶</sup>.

«کلمه قصد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده، و مراد از «قصد السبیل» راه میانه، یعنی راه مستقیم است»<sup>۷</sup>.

قرشی در قاموس می‌گوید: واژه‌ی «قصد» و مشتقات آن در قرآن به معنی راست و متوسط و معتدل بکار رفته. «قصد فی النفقه: توسط بین الاسراف و التقصیر»<sup>۸</sup>.

۱. مائده/ ۴۲

۲. جلال الدین عبد الرحمن سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۸۴.

۳. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۲۷.

۴. اصفهانی راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۷۲.

۵. نحل/ ۹

۶. محمد جواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۹، ص ۱۳۱.

۷. محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، ج ۶، ص ۲۷۰.

۸. علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۸.

قریب به اتفاق مفسرین ذیل این آیه، قصد را به راه راست و مستقیم<sup>۱</sup> و معتدل معنا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

#### ۴- ۵- ۳- وسط

شیخ الطایفه، طوسی در ذیل آیه‌ی: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...»<sup>۳</sup> می‌نویسد: «و روی عن نبی (ص) إنه قال: أمة وسطا و عدلا»؛ «و اصل باب وسط برابر با عدل است.»<sup>۴</sup> واژه «وسط» به مفهوم دور بودن از انحراف و قرار داشتن در مسیر اعتدال و میانه‌روی و راه میانه است. علامه طباطبایی در ذیل همان آیه: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...»<sup>۵</sup> می‌نویسد: «باید دانست که کلمه «وسط» به معنای چیزی است که میانه دو طرف قرار گرفته باشد، نه جز آن طرف باشد، نه جز این طرف باشد.»<sup>۶</sup> در تفسیر اثنا عشری آمده: «.. أُمَّةً وَسَطًا...» در اینجا به معنی گروهی برگزیده، یا جمعی با عدالت که تزکیه به علم و عمل شده‌اند، یا امت پیامبر (ص) را از جهت تکلیف امت وسط قرار داده‌اند نسبت به تکالیف امم سابق و گذشته.»<sup>۷</sup>

#### ۴- ۵- ۴- سواء

«سواء» در اصل مصدر است به معنی برابری و به معنی مساوی و وسط (وصف و ظرف) بکار می‌رود.<sup>۸</sup> خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ

۱. ابو علی الفضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

۲. محمد بن حبیب الله سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۲۰۷.

۳. بقره/ ۱۴۳

۴. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲ ص ۶.

۵. بقره/ ۱۴۳

۶. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۸۱.

۷. حسین بن احمد حسینی شاه عبد العظیمی، تفسیر اثنا عشری، ج ۱، ص ۲۷۴.

۸. علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۵۹.

يَهْدِي سَوَاءَ السَّبِيلِ<sup>۱</sup>؛ و چون به سوی شهرمدین رو نهاد با خود گفت: امید است پروردگار مرا به راه راست هدایت کند».

کلمه سواء از ماده‌ی «استواء» که به معنی مساوات و برابری است.<sup>۲</sup> کلمه‌ی «سواء السبیل»، به معنای وسط راه یا راه وسط است.<sup>۳</sup> «سواء» به معنی مستوی، وسط و برابر نیز آمده که با مفهوم اعتدال برابر است.<sup>۴</sup>

واژه‌ی اعتدال مانند هر کلمه‌ی دیگری، واژگان متضادی نیز دارد که با بررسی این واژگان نیز بهتر می‌توان به معنای صحیح اعتدال پی برد.

#### ۴- ۵- ۵- تفريط

راغب در مفردات می‌گوید: «تفريط این است که در رسیدن به هدف و مقصد در کاری کوتاهی شود.<sup>۵</sup> خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...»<sup>۶</sup>؛ تا آنکه مبادا کسی بگوید دروغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم.» در المیزان گفته شده: کلمه «تفريط» به معنای اهمال کاری در عملی است که باید فوراً به آن اقدام نمود، تا جایی که وقتش فوت شود. «تفريط» یعنی کوتاهی کردن<sup>۷</sup> که از واژگان متضاد با اعتدال است.

#### ۴- ۵- ۶- اسراف

<sup>۱</sup>. قصص/ ۲۲

<sup>۲</sup>. ابو علی الفضل بن حسن طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۳۸۳.

<sup>۳</sup>. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۴۲۸.

<sup>۴</sup>. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۶، ص ۱۲۱.

<sup>۵</sup>. اصفهانی راغب، مفردات الفاظ القرآن، ج ۴، ص ۴۱.

<sup>۶</sup>. زمر/ ۵۶

<sup>۷</sup>. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۵، ص ۱۵۹.

«اسراف» از ماده‌ی «سرف» به معنای تجاوز از حد است.<sup>۱</sup> برخی این واژه را با تبذیر به یک معنا گرفته و به جای یکدیگر به کار می‌برند. باید توجه داشت که این دو کلمه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. «تبذیر، بی جهت مصرف کردن چیزی را گویند که علت عاقلانه و خردمندانه نداشته باشد. مثل آن که چوبی را بی جهت بسوزانند و به تعبیر دیگر، تبذیر آن است که مالی در غیر موردش مصرف شود (هرچند کم باشد) و اگر چنان چه در موردش مصرف گردد، تبذیر نیست. هرچند زیاد باشد».<sup>۲</sup> امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذِّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ»؛<sup>۳</sup> کسی که در غیر راه اطاعت فرمان خدا انفاق کند، تبذیر کننده است و کسی که در راه خدا انفاق کند، میانه‌رو می‌باشد.» ولی اسراف، بیش از اندازه مصرف کردن است.

امام علی (ع) در تعریف اسراف چنین می‌فرماید: «كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْإِقْتِسَادِ إِسْرَافٌ»؛ هر چه بیش از اقتصاد و میانه‌روی باشد، اسراف است.» و نیز می‌فرماید: «مَا فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ»<sup>۴</sup> (تمیمی آمدی، ۱/۳۵۹)؛ بیش از کفاف (اندازه بسنده)، اسراف است. به همین خاطر امام علی (ع) می‌فرماید: «فَدَعَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا»؛<sup>۵</sup> اسراف را به خاطر اقتصاد و میانه‌روی رها کن.»

### حقیقت اعتدال

«حقیقت عدالت و اعتدال یا لازم آن این است که عقل که خلیفه خداست غالب شود بر جمیع قوا تا هریکی را به کاری که باید و شاید بدارد و نظام مملکت انسانی فاسد

۱. اصفهانی راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۰۷.

۲. ناصر مکار شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۷.

۳. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۴. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالحکم، ج ۴، ص ۵۴۰.

۵. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۹.

۶. غلام رضا سلطانی، تکامل در پرتو اخلاق، ج ۲، ص ۱۵۵.

نشود، پس واجب است بر هر انسانی که سعی و مجاهده کند که به فرمان عقل اختلاف قوا را برطرف کند و خواهش‌های آن‌ها را کنار گذارد و همه را به راه راست مستقیم بدارد کسی که قوا و صفات خود را اصلاح نکرده باشد و در مملکت بدن خود عدالت را ظاهر ننمود باشد، قابلیت اصلاح دیگران و اجرای حکم عدالت در میان سایر مردمان ندارد و نه قابلیت تدبیر منزل خود را دارد و نه شایستگی سیاست مردم و نه لایق ریاست شهر و نه سزاوار سروری مملکت است.<sup>۱</sup>

### جایگاه اصل اعتدال در اسلام

اصل اعتدال از اصولی است که اسلام به آن عنایت زیادی داشته و در زندگی سراسر نور پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) در کلیه اعمال و رفتارشان به روشنی دیده می‌شود؛ آنان هرگز در هیچ امری از اعتدال خارج نشدند، سیره‌ی حضرت رسول (ص) در همه‌ی وجوه سیره‌ی معتدل بود، همان‌طور که حضرت علی (ع) درباره‌ی آن حضرت فرموده است: «سیرتُهُ الْقَصْدُ»<sup>۲</sup> «سیره و رفتار او میانه است». رسول خدا (ص) و امامان ما در رفتار فردی، اجتماعی، در اداره امور و سیاست و در رویارویی با دشمنان و در میادین رزم، اعتدال را پاس می‌داشتند و از افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می‌کردند.

### کمال انسانی

کمال آدمی در این است که در همه‌ی امور زندگی، میانه‌رو باشد و معتدل عمل نماید، این مسیر مناسب‌ترین و کوتاه‌ترین راه، تربیت مطلوب آدمی است؛ حضرت علی (ع) در توصیف اوصیای الهی، رهبران حق، که الگوی کامل اعتدال‌اند این‌گونه می‌فرماید: «نَحْنُ النُّمْرُقَةُ الْوُسْطَى، بِهَا يَلْحَقُ التَّالِي، وَإِلَيْهَا يَرْجِعُ الْغَالِي»<sup>۳</sup> «ما تکیه‌گاه میانه‌ایم، عقب افتادگان

۱. احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۶۲.

۲. نهج البلاغه، خ ۹۴.

۳. نهج البلاغه، ح ۱۰۹.

به ما می‌رسند و پیش تاختگان به ما بازمی‌گردند.» اعتدالی که کمال انسانی بسته بدان است، زندگی سالم و مناسبات انسانی جز در پرتو میانه‌روی حاصل نمی‌شود و هرگونه افراط و تفریط در هر زمینه‌ای، تباهگر تربیت کمالی و زندگی و مناسبات انسانی است.<sup>۱</sup>

### اُمّت معتدل

اعتدال اصلی است که بر تمام تعلیمات اسلام احاطه دارد، اعتدال در عقیده، یعنی نه غلو و نه شرک، نه جبر و نه تفویض، نه تعطیل، هیچ‌کدام در عقاید اسلامی راه ندارد؛ اعتدال در برنامه‌های اجتماعی، یعنی نه فقط در امور مادی توجه شود، همچون یهود و نه فقط به معنویات توجه شود و رهبانیت و کناره‌گیری از اجتماع توصیه گردد، همچون برخی از روحانیون نصاری، بنابراین یک مسلمان واقعی نمی‌تواند انسانی تک ساحتی باشد و تنها به جهت ماده و یا فقط معنوی یا تنها به جنبه‌های فردی و یا اجتماعی نظر کند بلکه انسانی است همه‌جانبه، متفکر، باایمان، دادگر، مجاهد، مبارز و در عین حال اهل معنویت و بندگی خدا و اهل زندگی و فعالیت و معاشرت؛ و در عین حال اُمّت معتدل اُمّتی است که پیامبر (ص) و اوصیای ایشان را سرمشق خود قرار دهند و به آنان تمسک جویند و خود را از جهالت افراط و تفریط و هلاک نجات دهند.

### شاخصه‌های اعتدال

#### ۹-۱- اعتدال در حوزه عقاید

در حوزه عقاید، توحید مهم‌ترین شاخص در اعتدال شخص است. از همین رو کفر و شرک به‌عنوان خروج از عدالت و اعتدال معرفی شده است. «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَّبِدَلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»<sup>۲</sup>؛ آیا می‌خواهید از پیامبر خود چیزی بپرسید، هم چنان‌که قوم موسی (ع) پیش‌ازاین از موسی (ع) پرسیده

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۵۲.

۲. بقره/۱۰۸

بودند؟ آن کس که کفر را به جای ایمان برگزیند، چون کسی است که راه راست را گم کرده باشد. سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه بعضی از مسلمانان که به رسول خدا (ص) ایمان آورده بودند، از آن جناب سؤالهایی نظیر سؤالهای یهود از حضرت موسی (ع) کرده‌اند، و لذا خدای سبحان در این آیه ایشان را سرزنش می‌کند، البته در ضمنی که یهود را توبیخ می‌کند بر آن رفتاری که با موسی (ع) و سایر انبیاء بعد از او کردند، روایات هم بر همین معنا دلالت دارند.<sup>۱</sup> امام علی (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ»<sup>۲</sup> مؤمن شیوه‌اش میانه‌روی است و روشش پیمودن راه راست. پس به نظر می‌رسد کفر سبب خروج از راه معتدل یعنی همان اسلام توحیدی است.

#### ۹-۲- اعتدال در شخصیت

از نظر آموزه‌های قرآنی انسان در شخصیت خود موجودی مستوی و معتدل است و قوای موجود در انسان به گونه‌ای است که او را در حالت طبیعی و فطری‌اش در اعتدال نگه می‌دارد. عقل به عنوان مدیری که توانایی برقراری این اعتدال را دارد نقش مهم و ارزنده‌ای ایفا می‌کند «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»<sup>۳</sup>؛ «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد سپس پلیدکاری و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کرد که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً در باخت.» عطاء گوید: او را به سبب عقل چنانی که فضیلت داد او را به سایر حیوانات معتدل قرارداد آنگاه گفتند اراده نموده تمام مخلوقات از جن و انس را. حسن گوید: اراده کرده بالنفس آدم علیه‌السلام و از «ما سَوَّاهَا» خداوند تعالی را. «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» پس الهام فرمود گناه و پرهیزکاری‌اش را، یعنی راه گناه و طریق پرهیزکاری را. ابن عباس و مجاهد و قتاده و ضحاک گویند: او را تحذیر داد در

۱. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۳۸.

۲. نهج البلاغه، خ ۹۴.

۳. شمس/۱۰-۸.

گناه و ترغیب فرمود در پرهیزکاری امام هادی علیه السلام می فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» کسی که شخصیتش بر او بی ارزش باشد (ارزش برای خودش قائل نباشد) از شر او در امان نباش، پس انسان معتدل و متعادل از نظر شخصیت کسی است که بتواند عاقلانه و خردمندانه زندگی کند و میان قوای نفسانی گوناگون بر اساس مدیریت و تدبیر عقل، اعتدال را مراعات کند. واژه «هانت» از «وَهَنَ» گرفته شده به معنی ضعف، ناتوانی، وهن ضعف است در خلقت یا در اخلاق.<sup>۱</sup> در فرهنگ عامه، اصطلاحاً اهانت و توهین کردن، چون در مقابل کسی نوعی ضعف و سستی نشان می دهد روی این اصل به فحاشی و پرخاشگری روی می آورد.

### ۳-۹- اعتدال در رفتار اجتماعی و سیاسی

یکی از مهم ترین ابعاد زندگی انسان ها بعد اجتماعی آن است، انسان موجودی منزوی، بریده و جدا از عالم هستی نیست، بلکه سرتاپای وجود او را پیوندها، علاقه ها و ارتباط ها تشکیل می دهد، که همین ارتباطات اساس شکل گیری اجتماع و تشکیل جوامع انسانی می گردد. به همین دلیل فردی که در اجتماع زندگی می کند، باید بتواند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار نماید، با آن ها همکاری کند و جامعه را با مصالحی محکم و استوار بنا نهد.

خداوند به صراحت در آیه ۱۹ سوره لقمان لزوم رعایت میانه روی در رفتارها و گفتارها و مناسبات اجتماعی را مورد تأکید قرار می دهد «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»<sup>۲</sup>؛ «و در راه رفتن خود میانه رو باش، و صدایت را آهسته ساز، که بدترین آوازه ها بانگ خران است.» آیه به گونه ای به قصد و اعتدال در مشی توجه می دهد که شامل تمام اقوال و افعال بشود. به سخن دیگر، واژه مشی تنها اختصاص

<sup>۱</sup>. علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۵ ص ۲۵۶.

<sup>۲</sup>. لقمان/۱۹.

به راه رفتن ندارد، بلکه مراد، مشی و رفتار شخص در تمام رفتارها و گفتارها و مناسبات اجتماعی است. کلمه «قصد» در هر چیز به معنای حد اعتدال در آن است.<sup>۱</sup>

رسول خدا (ص) فرمودند: «اعْقِلُ النَّاسَ أَشَدَّهُمْ مُدَارَةً لِلنَّاسِ، وَأَذِلُّ النَّاسَ مِنْ أَهَانِ النَّاسِ»؛<sup>۲</sup> «داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کن.»

پس به نظر می‌رسد از نظر قرآن، مراعات عرف عقلانی و شرعی در جوامع، مهم‌ترین عامل در ایجاد اعتدال و بقای رفتارهای هنجاری و معروف خواهد بود..

### ۹-۳- اعتدال در دوستی و دشمنی

پیشوایان دین در همه امور توصیه به اعتدال کرده‌اند تا پیروان آنان نسبت به این امر خطیر حساسیت لازم را پیدا کنند و در هیچ امری پا را فراتر از اعتدال نگذارند. از جمله توصیه‌های آنان، توصیه به اعتدال در دوستی و دشمنی است، چنان‌که در حدیثی که هم از پیامبر اکرم (ص) و هم از امیر مؤمنان (ع) روایت شده است بر این امر تأکید کرده‌اند: «أَحِبُّ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِضِكَ يَوْمًا مَا، وَأُبْغِضُ بَغِضِكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبًا يَوْمًا مَا».<sup>۳</sup> «دوست خود را دوست بدار از سر اعتدال، شاید روزی از روزها دشمنت شود، و دشمنت را دشمن بدار از روی میانه‌روی، شاید روزی از روزها دوست گردد.»

انسان عاقل، چه در دوستی و چه در دشمنی، مال‌اندیش است و از خواهش نفس پیروی نمی‌کند و از اعتدال مرزها بیرون نمی‌رود پیروی از خواهش نفس و تابع احساسات شدن آدمی را به افراط و تفریط می‌کشد.

بسیاری از جوانان در دوستی و دشمنی اهل افراط و تفریط‌اند. هنگامی که با کسی دوست می‌شوند آن‌قدر احساس صمیمیت و محرم بودن می‌کنند که به دوست خود بی‌حساب اطمینان می‌کنند و همه اسرار زندگی خویش را با وی در میان می‌گذارند، غافل

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴، ص ۳۹۴.

۳. نهج البلاغه، ح ۲۶۸.

از این که پیوند دوستی و رفاقت همیشه و در هر اوضاع و احوالی محکم و پایدار نمی ماند. ممکن است پیشامدها و حوادث، رشته رفاقت و دوستی را پاره کند و آن دوستی به دشمنی مُبدل شود. بنابراین لازم است رفقای یکدل در دوران رفاقت و دوستی همراه از افراط بپرهیزند و در حدود عقل با یکدیگر یگانه و همراز باشند.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) در این باره اصحاب خود را نصیحت کرده است: «وَلَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا مَا لَوْ أُطْلِعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ رُبَّمَا كَانَ عَدُوًّا» دوست خود را از اسرار آگاه مکن، مگر آن سِرِّ که اگر فرضاً دشمنت بداند به تو زیان نمی رسد، زیرا دوست کنونی ممکن است روزی دشمن تو گردد.<sup>۲</sup>

#### ۹-۴- اعتدال در روابط اجتماعی

انسان موجودی است که حقیقت زندگی او بسته به برقراری ارتباط با دیگران است و برای ادامه حیات، ناگزیر است تا زندگی اجتماعی را برگزیند، و لذا صرف نظر از انگیزه برقراری ارتباط با سایرین، او را «اجتماعی» خوانده اند.

زندگی اجتماعی زمانی به درستی سامان می یابد که بر روابطی معتدل استوار باشد زیرا هرگونه افراط و تفریط در روابط اجتماعی سبب تزلزل فرد و جامعه و سیر آنها به سوی تباهی می شود. انسان خردمند و زیرک در اداره امور، در مدیریت، در رهبری و به طور کلی در هر ارتباط اجتماعی رفتاری متعال دارد و دیگران را بر اساس اعتدال حرکت می دهد. امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: «الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ»<sup>۳</sup> «دانای فهمیده و زیرک کسی است که مردم را از آمرزش خدا مأیوس نسازد، از مهربانی او نومیدشان نکند و از عذاب ناگهانی وی ایمنشان ندارد.»

۱. محسن شکوهی یکتا، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۲۶.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۲.

۳. نهج البلاغه، ح ۹۰.

## ۹-۵- اعتدال در بیم و امید

مؤمن راستین هم امید به لطف و رحمت حق تعالی دارد و هم از عذاب و کیفر خداوند وحشت دارد. امید تنها، بدون عمل، غرور و خودفریبی است؛ خوف تنها نیز ناامیدی می آورد. ناامیدی از رحمت الهی، از گناهان بزرگ و خطرآفرین است، بدین خاطر بایستی خوف و امید در کنار یکدیگر باشند، اینگونه خوف و رجاء است که در زبان قرآن و روایات مورد تمجید و تشویق قرار گرفته است. از امام صادق (ع) روایت شده است که گفت: پدرم می فرمود:

«أَنْتَ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ. نُورٌ خِيفَةٍ وَ نُورٌ رَجَاءٍ، لَوْ زُنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَلَوْ زُنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا»<sup>۱</sup>

«هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آن که در دلش دو نور است. نور بیم و نور امید که اگر این وزن شود، از آن بیشتر نباشد و اگر آن وزن شود، از این بیشتر نباشد.»

بهترین زمینه برای رشد و تعالی اعتدال بیم و امید است چنان که در خبری از امیر مؤمنان (ع) آمده است. «خَيْرُ الْأَعْمَالِ إِعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ»<sup>۲</sup>. «بهترین کارها اعتدال بیم و امید است.»

خدای تبارک و تعالی آدمیان را در چنین زمینه ای به سوی کمال سیر می دهد، چنان که در کتاب الهی کنار آیات عذاب الیم آیات تشویق و امید قرار دارد. و شأن فرستاده گرامی اش بشارت و انذار است.

«أَنَا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»<sup>۳</sup> «ما تو را به حق فرستادیم، تا بشارتگر و بیم دهنده باشی، و [لی] درباره دوزخیان، از تو پرسشی نخواهد شد.»

از همین جا روشن می شود، که چرا کفار را به وصف بی علمی توصیف کرد و در تأیید آن، روی سخن از آنان گردانیده، خطاب را متوجه رسول خدا (ص) نمود و اشاره

۱. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۱، ص ۶۷.

۲. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم ودررالكلم، ج ۲، ص ۲۵۵.

۳. بقره/۱۱۹

کرد به اینکه او فرستاده‌ای از ناحیه خدا است، و به حق و به منظور بشارت و انداز فرستاده‌شده تا آن جناب را دلخوش سازد و بفهماند این کفار اصحاب دوزخ‌اند و این سرنوشت برایشان نوشته‌شده و دیگر امیدی به هدایت یافتن و نجاتشان نیست.

«وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»، این جمله همان معنایی را می‌رساند، که در اوّل سوره آیه: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» در صدد بیان آن بود.<sup>۱</sup>

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»؛ «و ما تو را جز مژده دهنده و بیم دهنده نفرستادیم». یعنی ما در رسالت تو غیر از تبشیر و انداز تکلیفی به گردنت نگذاشته‌ایم پس اگر اینان معاند پروردگار خویش‌اند و با دشمن او، یعنی با شیطان همکاری می‌کنند، تو تقصیری نداری و ایشان خدای را خسته و ناتوان نمی‌کنند و جز به خود مکر و دشمنی نمی‌کنند. این آن معنایی است که از سیاق استفاده می‌شود.

پس بنابراین، جمله «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»، فصلی است از کلام، نظیر جمله «إِنَّا لَنَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا» در فصل سابق. و از همین جا خوب روشن می‌شود اینکه بعضی از مفسرین آیه را تسلیت برای رسول خدا (ص) گرفته و گفته‌اند: مراد این است که ما تو را تنها مبشر مؤمنین و منذر کافرین فرستادیم، پس دیگر درباره ایمان نیاوردن کفار غم مخور صحیح نیست.<sup>۲</sup>

«نَبِيَّ عِبَادِي إِنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ إِنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ»؛ «به بندگان من خبرده که منم آمرزنده مهربان، و این که عذاب من عذابی دردناک است».

مقصود از کلمه (عبادی) به‌طوری که از سیاق آیات استفاده می‌شود مطلق بندگان است، و سخن آن‌کس که گفته (مراد از آن همان متقین و یا مخلصین است که قبلاً

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. فرقان/ ۵۶.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۱۶.

۴. حجر/ ۵۰-۴۹.

گفتگوش بود) سخنی است غیرقابل اعتناء. و اگر هر دو جمله را اسمیه آورد و بر سرشان (ان) درآورد - که دلالت بر تأکید دارد - و نیز ضمیر فصل آورد، یعنی در اوّل فرمود: «أَنَا الْغَفُورُ...» و در دوّمی فرمود: «هُوَ الْعَذَابُ»، و اگر بر سر خبر «الْغُفُورُ» و «الْعَذَابُ» الف و لام آورد، همه برای این است که صفات مذکور در آیه را تأکید کند و بفهماند مغفرت و رحمت، و الیم بودن عذاب، به آخرین درجه و نهایت حدّ خود رسیده‌اند، به طوری که دیگر نمی‌توان با هیچ مقیاسی آن‌ها را اندازه‌گیری نمود، و چیزی را با آن‌ها قیاس کرد. آری، هیچ مغفرت و رحمتی نیست مگر اینکه ممکن است فرض شود که مانعی نگذارد آن مغفرت و رحمت به ما برسد، و یا اندازه‌گیری بتواند آن را اندازه بگیرد، و یا حدّی برایش معین نماید. ولی خدای تعالی چنین نیست که کسی بتواند جلو مغفرت او را بگیرد «لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ» و یا بدون مشیّت او، امری آن را تحدید نماید. پس باین حال دیگر جایز نیست کسی از مغفرت او مأیوس و از روح و رحمتش ناامید گردد، زیرا نمی‌توان این یأس و نومیدی را به مانعی که جلو مغفرت خدا را بگیرد توجیه نمود، تنها چیزی که مایه وحشت است و باید هم باشد ترس از خود خدای تعالی است.<sup>۱</sup>

نتیجه اینکه نخستین به‌کارگیری خوف برای تربیت، از جانب حضرت حق صورت گرفت و در کتابش آن را بیان نمود تا این شاه‌کلید تربیتی را به انسان بنمایاند.

۱. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۶۸.

### نتیجه

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می‌شود اعتدال و رعایت حدّ وسط، خصوصیت تربیتی امت اسلام به شمار رفته است. دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین، در تمامی امور زندگی راه اعتدال و میانه‌روی را پیشنهاد می‌کند و بر آن تأکید دارد. اسلام راه حل تمامی مسائل را قسط و میانه‌روی معرفی می‌کند و اهل بیت پیامبر (ع)، به عنوان مبین این دین آسمانی، این اصل را در زندگی خود پیاده و به دیگران نیز توصیه می‌فرمودند. صفات نیکو تا زمانی آثار پسندیده به دنبال دارد و برای جامعه سودمند است که از حدّ اعتدال خارج نشود در غیر این صورت نتایج سوء و زیان‌باری بر آن مترتب خواهد گردید. وقتی ایمان، تقوی، علم و مجاهدت در راه خدا معیار و ملاک ارزش و فضیلت باشد هر فردی برای کسب این فضایل تلاش می‌کند و جامعه‌ای مؤمن و متّقی و آگاه و کوشا به وجودی می‌آید.

اسلام با دعوت به اتحاد و اتفاق و تشکیل یک اجتماع اسلامی بر مبنای وحدت و به هم پیوستگی آنان را به یک زندگی شرافتمندانه فرامی‌خواند.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۵هـ. — ق)، چاپ اول، تهران: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه، سید الرضی، ابوالحسن محمد بن حسین موسوی، (۱۳۹۱هـ. — ش)، ترجمه محمد دشتی، چاپ نهم، قم: انتشارات نشتا.
- ۱) ابراهیم، مصطفی و دیگران (۱۳۸۹م/۱۴۱۰هـ. — ق)، المعجم الوسيط، استانبول: دارالدعوه، بی جا.
- ۲) ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳هـ. — ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۳) ابن فارس بن زکریا، احمد، (۱۳۶۴هـ. — ق)، معجم مقاییس اللغة، قاهره: داراحیاءالکتب العربی.
- ۴) ابن منظور الأفریقی، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ. — ق)، لسان العرب، بیروت: انتشارات دارصادر، چاپ سوّم.
- ۵) اصفهانی، راغب، (۱۳۸۳ هـ. ش)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ سوّم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- ۶) بستانی، فؤادافرام، (بی تا)، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، تهران: ترجمه رضا مهیار، انتشارات اسلامی.
- ۷) تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶هـ. — ش)، تصنیف غررالاحکم ودررالکلم، محقق مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.
- ۸) جر، خلیل، (۱۳۷۲ش)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوّم.

- ۹) حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، محقق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۱۰) حسینی کهلانی، سید نعمت الله، (۱۳۸۸هـ. ش)، العدل و الاعتدال پرهیز از اسراف در اعمال، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۱) حسینی همدانی، سید محمد حسین، (۱۴۰۴هـ. ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- ۱۲) خوانساری، جمالالدین محمد، (۱۳۷۳ش)، شرح غررالحکم و دررالحکم، دانشگاه تهران.
- ۱۳) دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۲ هـ. ش)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
- ۱۴) سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (۱۴۰۶هـ. ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ۱۵) سبزواری، هادی بن مهدی، (۱۳۷۲هـ. ش)، شرح الاسماء او شرح دعاء الجوشن الکبیر، تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶) سلطانی، غلامرضا، (۱۳۷۸ش)، تکامل درپرتو اخلاق، چاپ بیستم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۷) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، (۱۴۰۴هـ. ق)، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی.چا.
- ۱۸) شکوهی یکتا، محسن، (۱۳۶۳هـ. ش)، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، قم: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی.
- ۱۹) طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴هـ. ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه.

- (۲۰) طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، (۱۳۷۷هـ.ش)، تفسیر جوامع الجامع، مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- (۲۱) \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰هـ.ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمین: حسین نوری، محمد مفتاح، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول.
- (۲۲) طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵هـ.ش)، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- (۲۳) طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: شیخ آغا بزرگ تهرانی، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی جا.
- (۲۴) عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰هـ.ش)، تفسیر عاملی، تهران: انتشارات صدوق.
- (۲۵) عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰هـ.ق)، تفسیر عیاشی، هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
- (۲۶) فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۵هـ.ق)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
- (۲۷) فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵هـ.ق)، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم.
- (۲۸) فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴هـ.ق)، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: انتشارات دار الهجره.
- (۲۹) قرائتی، محسن، (۱۳۸۸هـ.ش)، پرتوی از اسرار نماز، چاپ بیست و دوم، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- (۳۰) قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۷۲هـ.ش)، قاموس قرآن، تهران، انتشارات درالکتب الاسلامیه.

- ۳۱) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷هـ.ق)، الکافی (ط - الاسلامیه)، محقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴هـ.ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت، بی‌جا.
- ۳۳) مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰هـ.ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی‌جا.
- ۳۴) مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از فضلاء، (۱۳۷۴هـ.ش)، تفسیر نمونه، قم: انتشارات دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول.
- ۳۵) موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۸هـ.ش)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ سیزدهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳۶) \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶هـ.ش) شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ سی و نهم.
- ۳۷) نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۳۸) نراقی، احمد، (بی‌تا)، معراج السعاده، بی‌جا، بی‌جا.
- ۳۹) الیاس، انطون الیاس (۱۳۵۸هـ.ش)، فرهنگ نوین (عربی - فارسی)، به اهتمام: سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات کتابفروشی الاسلامیه.